

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال ششم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۳

رویاری ایرانی و روم در عصر ساسانی بر اساس کتیبه شاپور بر کعبه زردشت

سیروس نصراله‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۵

تاریخ تصویب: ۹۲/۴/۵

چکیده

مقاله حاضر در خصوص روابط و سیاست خارجی ایران و روم در زمان شاپور اول ساسانی است. این روابط سیاسی که سه جنگ بزرگ را دربرداشته، نقطه عطف بزرگی در تاریخ ساسانیان است. منبع آگاهی ما از این روابط، بر مبنای منابع رومی بوده است. اما در زمان شاپور اول، کتیبه سه‌زبان‌های بر کعبه زردشت، در نقش رستم فارس، نوشته شده که شاپور، دستور نوشتن آن را در سه روایت داده است. این کتیبه منبع مهمی در شناخت ساختار درونی حکومت شاپور و نیز سیاست خارجی اوست. در این کتیبه، سه جنگ با رومیان آمده است که در هیچ‌یک از منابع رومی به این گستردگی

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

به آنها اشاره نشده است. هدف این مقاله، بررسی جامع سه نبرد شاپور با رومیان و رهاوردهای آن است.

واژه‌های کلیدی: شاپور اول، کتیبه کعبه زردشت، اردشیر اول، سه نبرد شاپور با روم، گردیان، فیلیپ، والرین، ایران و انیران

۱. مقدمه

با روی کار آمدن هخامنشیان و ایجاد نخستین شاهنشاهی وحدت بخش مبتنی بر تنوع فرهنگی و قومی، به تعبیر هگلی آن، دولت دولت‌ها، منازعه شرق (جهان هخامنشی) و غرب (جهان یونانی) هم آغاز شد. این تقابل در تمام دوره باستان ایران پس از هخامنشی، به شکل اشکانیان-رومیان و ساسانیان-رومیان تداوم یافت؛ آن‌چنان که مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی ایران در دو عصر اشکانیان و ساسانیان، مواجهه با امپراتوری روم بود. به واقع، موازنه قدرت در خاور نزدیک آن روزگار، به دست شاهنشاهی ایران (اشکانی و ساسانی) و امپراتوری روم بود. براساس تحقیقات تازه، اشکانیان در مبارزه با رومیان، برخلاف تحقیقات پیشین که آن را سیاستی فعال نمی‌دانستند، نقشی فعال داشته‌اند و بر وجه ایرانی‌ت اشکانیان در مقابله با روم تأکید بسیار شده است. اشکانیان، خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند و این، انگیزه بزرگی در برابر روم بود. اما تحولات سیاسی داخلی ایران، موازنه قوایی که در حال شکل‌گیری بود، بر هم زد. این تحول، خیزش به‌سوی قدرت اردشیر بابکان در فارس بود که منجر به سقوط اشکانیان شد؛ یک علت سقوط اشکانیان، تنش و جنگ‌های چهار قرن با رومیان بود که اینان را فرسوده و ناتوان ساخته بود. ساسانیان، خود نیز چهار قرن همسایه روم بودند. جهان یونانی و رومی، همیشه در تماس نزدیک متنوع با فرهنگ‌های خاور نزدیک بوده‌اند: رویارویی جهان یونانی و مقدونی با جهان ایرانی هخامنشی در قرن ۴ و ۵ پ.م.، مواجهه جهان رومی با جهان ایرانی اشکانی از قرن نخست پ.م. به بعد و پس از آن جهان ایرانی ساسانی. به سبب تلقی تازه‌ای که ساسانیان از مفهوم ایرانی داشتند، سیاستشان از همان آغاز نسبت به روم تهاجمی بود. ساسانیان، به جهت ایجاد

مشروعیت و تقویت جایگاهشان، به‌عنوان حاکمان برحق این شاهنشاهی در برابر رقبای داخلی نیاز به پیروزی در نبرد و کارزار داشتند. در مواجهه با روم، حوزه نبرد، بیشتر بر سر تصرف شهرهای بین‌النهرین شمالی و منطقه حائل ارمنیه بود (دریجورس^۱، ۲۰۰۹: ۴۴۶-۴۴۵) روابط ایران ساسانی و روم را می‌توان در ۳ مرحله ترسیم کرد:

۱. مرحله نخست (۶۳۶-۲۲۶ م.). گرایش تهاجمی ساسانیان به روم و دشمنی هر دو نسبت به هم.
۲. مرحله دوم (۶۳۶-۵۰۰ م.). با کشمکش کمتر و بیشتر مبتنی بر هم‌زیستی و همکاری.
۳. مرحله سوم (۶۳۰-۵۰۰ م.). افزایش بدگمانی متقابل و برخورد نظامی و یک دوره کوتاه همکاری و درک متقابل (ویتبی^۲، ۱۹۹۴: ۲۱۱-۲۰۲)

اردشیر اما ادعاهای ارضی بیشتری داشت و همچون اشکانیان، خود را وارث هخامنشیان می‌دانست و ادامه‌دهنده منازعه با رومیان شد. اردشیر، پس از تسلط بر اوضاع داخلی، سیاست غربی خود را آغاز کرد. اردشیر، توانست هم استحکامات رومی در بین‌النهرین و هم دو شهر مهم تجاری نصیبین و کرهه را تصرف کند. اردشیر، در همین زمان، نگاهی هم به تجارت در جنوب و هند داشت. از این رو، به خلیج فارس روی نمود و توانست بخش شمالی ساحل شرقی شبه‌جزیره عربستان را تصرف کند. با تصرف خارکس در حوالی خرمشهر و بصره کنونی و به‌خطراتادن منافع تجاری و اقتصادی روم، مواجهه ایران و روم وارد مرحله تازه‌تر و جدی‌تری شد. هم‌چنین، در بخش شمالی بین‌النهرین شهر هتره بود که به‌جهت قرارگرفتن در مسیر تجارتنی، در مسیر راه تجاری نصیبین و تیسفون، برای اشکانیان و هم ساسانیان و روم حائز اهمیت بود. اردشیر توانست پس از محاصره طولانی، حدود ۲ سال، در سال ۲۴۰ م. هتره را تصرف کند. این وضعیت، تنش ایران و روم را بیشتر کرد و با مرگ اردشیر به دوره شاپور کشیده شد. نخستین رویارویی اردشیر با الکساندر سوروس، قیصر روم، بود و نتوانست به اهداف خود برسد. به‌واقع، اردشیر می‌توانست به

¹ Drijvers

² Whitby

پیروزی قاطع برسد اما به سبب نداشتن سپاه دائمی، این امر میسر نشد^۱، اما با مرگ این قیصر در حمله‌ای دیگر، دو شهر مهم نصیبین و کاره را تصرف کرد. از سوی دیگر، اردشیر در اندیشه تسلط کامل بر خلیج فارس بود تا از این راه تجارت با هند را در اختیار بگیرد. روم، در تجارت با شرق ناگزیر بود که کالاهایش از ایران عبور کند و به ایران عوارض گمرکی بدهد؛ از این رو، سعی داشت این میانجی‌گری انحصاری ساسانیان را بشکند، که این سعی در دوره نرسی^۲ به بار نشست و با شکست نرسی در سال ۲۹۸ م، نصیبین مرکز داد و ستد قرار گرفت (وینتر / دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۶۳). این موارد و نبردهای اولیه اردشیر، منجر به منازعه جدی در عصر شاپور شد.

رویارویی جنگی و دیپلماتیکی ایران و روم در دوره اشکانی، به لحاظ کمی منابع، بازتابی اندک و در حقیقت هیچ داشت؛ از این نظر دوره اشکانی، به لحاظ منابع، ضعیف‌ترین دوره ایرانی باستان است. اما در دوره ساسانی، وضعیت منابع ایرانی بهتر است و قضاوت تاریخی جامع‌تری می‌توان، بر اساس منابع ایرانی و رومی، بر این مناسبات انداخت. در این خصوص، دو کتیبه این عصر، واجد اهمیت فراوانی است و مستقیماً به این رابطه اشاره کرده‌اند.^۳ یکی کتیبه مهم شاپور [اول] بر کعبه زردشت و دیگری کتیبه ابنون^۴ است.

۲. رابطه شرق و غرب

رابطه ایران و غرب (یونان و روم)، همیشه خصمانه نبوده است. ثابت شده که در عصر هخامنشی، جریان انتقال فرهنگی تنها از غرب به شرق نبوده؛ بلکه از شرق به غرب هم برقرار بوده است. پس از نبرد ماراتن، شرق یک جهانی آرمانی، جذاب و خوشبخت برای

^۱ برای تفصیل آن نک. شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۷۵ به بعد.

^۲ Narseh/ Narsē

^۳ ادبیات مکتوب پهلوی چون اساساً ماهیت دینی دارند در این خصوص اشاراتی ندارند. آنجا هم که نامی از روم می‌آید در اشاره به عصر اسکندر گجسته است.

^۴ این کتیبه پیش از کتیبه کعبه زردشت نوشته شده است و از پیروزی شاپور در سال سوم سلطنت وی سخن گفته است؛ که اشاره به نبرد سوم دارد (برای تفصیل آن نک. شرو، ۱۹۹۲: ۱۶۰-۱۵۳؛ نصراله‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۸۷ به بعد).

یونانیان بوده است (ویسهوفر، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۶). در دوره اشکانیان، درجه این ارتباط فرهنگی فزون‌تر شد که در قالب فیل‌هلنی^۱ یا یونانی دوستی قابل تبیین است. این امر، در شرقی‌ترین بخش ایران یعنی پادشاهی یونانی - بلخی کوشانیان، به خوبی دیده می‌شود. در تقابل با این نکته، ایرانی‌ت‌رو به‌رشد در نزد اشکانیان، به جهت تثبیت داخلی و مشروعیت، فزاینده‌تر بود. نقش تاریخی اشکانیان، در این تقابل دوگانه «به‌عنوان میانجی مبادله کالاها و اندیشه‌ها میان روم - هند - آسیای میانه - چین، گشودن جاده‌های جدید به سمت شرق برای فرهنگ یونان و به جانب غرب برای فرهنگ‌های شرق بوده است» (همان: ۱۰۷). دنیای پارتی، برای روم جذاب می‌نمود، اما این که این دنیای دیگر تبدیل به «دنیایی متضاد و مخالف و تهدیدکننده شد، نتیجه اعمال سیاسی دولت روم بود. علاوه بر جنگ‌افروزی‌های کراسوس^۲، مارک آنتونی^۳ و سزار^۴، در دوره اگوست^۵ بود که منکر برابری ایدئولوژیک پارت‌ها شد و در پی تشکیل هویتی رومی با تکیه بر دیگراندیشی فرهنگی دشمن برآمد» (همان: ۹۸). با قوی‌تر شدن وجوه ایرانی در شاهنشاهی اشکانی در نیمه دوم، به‌ویژه دوره اردوان دوم به بعد، و اندیشه تقسیم ایران توسط فریدون، میان سه پسرش، و تبدیل توران و روم به دشمنان ایران که گفته شد در دوره پارتیان این مهم رخ داده است، رویارویی ایران و روم را وارد مرحله جدی‌تری کرد. در همین دوره است که تصویر منفی اسکندر که قبلاً در سنت دین زردشتی بود، اهمیت بیشتری یافت و اردوکشی نظامی علیه روم به شاهان و پهلوانان ایران نسبت داده شده است (همان: ۱۱۶). ساسانیان، هم به تبع همین تضاد پارت/ کیانیان و روم، دشمن اصلی را روم می‌دانستند. در عصر ساسانی بود که بخش‌هایی از تاریخ روم در عصر کیانیان جای داده شد. نمونه آن، پیکی است که کی کاووس به‌نزد روم می‌فرستد و یا کی گشتاسب جوان به روم سفر می‌کند و شاهزاده خانمی بیزانسی را به ازدواج درمی‌آورد (همان: ۱۱۶). چنین شد که یاد و خاطره هخامنشیان، باعث دلیرتر شدن اشکانیان در مواجهه با روم شد (وینتر/ دیگناس، ۱۳۸۶: ۸)؛ ساسانیان آغازین هم که در بسیار زمینه‌ها،

¹ Philhellene

² Crassus

³ Mark Antony/ Marcus Antonius

⁴ Caesar

⁵ Augustus

ادامه‌دهنده اشکانیان بودند، این دشمنی با روم را هم ادامه دادند. گویا که اینان هم، به همین گذشته تاریخی خود، برای این رویارویی ارجاع داده‌اند.^۱ از جمله مفاهیمی که ساسانیان برای مشخص کردن این رویارویی کردند، ابداع مفاهیمی همچون *ایران و ایران‌شهر* بود که تصور تازه‌ای از کشور و موطن ایرانی و حدود و ثغور ایران می‌داد. هم‌چنین، شایسته یادآوری است که ساسانیان، خود را نسبت به روم، قدرت فائقه و برتر می‌دانستند و از کتیبه شاپور بر کعبه زردشت، و نیز نقوش برجسته این سه نبرد، هم معلوم است که شاپور، امپراتور روم را زبردست و روم را خراج‌گذار می‌دانست (دریجورس، ۲۰۰۹: ۴۵۲).

۳. مواجهه روم و ایران: انجام اشکانیان و برآمدن ساسانیان و موازنه جدید قدرت

پیروزی اشکانیان در جنگ کاره و شکست کراسوس باعث شد، از این پس، پارتیان و به ویژه شرق، مورد توجه جدی رومیان قرار گیرد.^۲ علی‌رغم تحولات داخلی ایران و انتقال شاهنشاهی از اشکانیان به ساسانیان، که البته انعکاسی جدی در منابع رومی نداشت و چندان مورد توجه رومیان نبود، نگاه به مرزهای غربی نسبت به عصر اشکانی نه تنها دگرگون نشد بلکه اردشیر، با ادعای تازه‌تر یعنی دسترسی به سرزمین‌های عصر هخامنشی، وارد منازعه تازه با رومیان شد. وی، پس از ایجاد ثبات داخلی، متوجه مرزهای غربی شد. ادعای بزرگ اردشیر، مبنی بر دست یافتن به سرزمین‌های نیاکانش، هخامنشیان و کوروش اول، بود؛ یعنی بین‌النهرین و تمامی مناطقی که آسیا خوانده می‌شد که پیش از این، در سلطه کوروش و داریوش سوم بود و اسکندر آن را متصرف شد و خواهان آن بود تا باز این مناطق به زیر

^۱ این که ساسانیان به نیاکانشان آن‌چنان که در کتیبه شاپور بر کعبه زردشت آمده منظور هخامنشیان هستند یا نه و این که آیا اساساً ساسانیان آغازین از هخامنشیان آگاهی داشته‌اند، محل بحث‌های بسیاری شده است. برای خلاصه‌ای از نظریات پیشین و دریافت تازه‌ای از این مبحث به مقاله رحیم شایگان مراجعه شود.

^۲ برای خلاصه روابط اشکانیان و رومیان نک. وینتر/دیگناس، ۱۳۸۶: ۸-۱.

سلطهٔ پارسیان در آید.^۱ این ادعای اردشیر را نه فقط منابع رومی که منابع ایرانی اسلامی هم تأیید می‌کنند. این ادعا، به واقع بازگرداندن مشروعیت حکومتی و حق موروثی به ایرانیان بود که در تقابل با ادعای رومیان مبنی بر تملک ماترک اسکندر قرار داشت. این دعویات، برخورد دو شاهنشاهی و امپراتوری را لاجرم ساخت. باید خاطر نشان کرد که این جنگ‌ها را نیز باید در اندیشه‌های اقتصادی و تجارتي ساسانیان دید. از منظری دیگر، اردشیر در سیاست‌های ضد اشکانی خود، در صدد کاهش قدرت اشراف زمین‌دار بود که بازماندهٔ دورهٔ اشکانیان بودند. از این رو، به تأسیس شهرهایی چند اقدام کرد و یک طبقهٔ تازه شهری در برابر طبقهٔ زمین‌دار روستایی ایجاد کرد. وی، برای حمایت از منافع این طبقهٔ شهری، وارد منازعه با رومیان بر سر تسلط بر راه‌های تجارتي شرق به غرب شد. تلاش رومیان، برای ایجاد روابط تجاری با هند و چین، این مقابله را ناگزیر ساخت (شایگان، ۲۰۰۳: ۳۷۲ و بعد). اردشیر، در سال ۲۳۱-۲۳۰ میلادی، به روم حمله کرد (وینتر/دیگناس، ۱۳۸۶: ۵۳، داگن/لیو^۲، ۲۰۰۲: ۳۵۱، فلیکس^۳، ۱۹۸۵: ۳۳-۳۲) نصیبین را محاصره کرد و حمله تا به کاپادوکیه کشیده شد. این حملهٔ اردشیر، منتج به پیروزی الکساندر سوروس شد (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۸) و منابع موجود در آن و نیز وینتر/دیگناس (۱۳۸۶: ۱۱). با مرگ الکساندر، اردشیر باز به روم تاخت و توانست نصیبین و کاره را تصرف کند. اوج قدرت و سیاست خارجی اردشیر، تسخیر هتره^۴ به سال ۲۴۱-۲۴۰ میلادی^۵ بود. از دست رفتن هتره

^۱ منابع رومی مثل هردین، دیو کاسیوس و زونارس چنین گزارشی داده‌اند. نک. وینتر/دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۲-۹ و ۵۹-۵۴ و نیز فلیکس، ۱۹۸۵: ۳۲ به بعد.

^۲ Dodgeon/ Lieu

^۳ Felix

^۴ این تصرف هم می‌تواند از سوی اردشیر بوده باشد و یا هم، براساس شاهد مانوی، در دورهٔ سلطنت مشترک او و پسرش شاپور اول بوده باشد (اشمیت ۲۰۰۳) سردار سپاه ایران شاپور بوده که در این زمان عنوان پادشاه ایران را داشته است. جنگ با حضر شدت گرفت و رومیان به کمک حضر آمدند. در این زمان شاپور شاهنشاه ایران شهر شد و اردشیر از پادشاهی کناره گرفته بود (شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۸۰).

^۵ این آگاهی را به لطف مجموعه مانوی کلن داریم. ترجمهٔ کامل این بند به شرح زیر است: «و قتی بیست و چهار ساله بودم در سالی که داریوش - اردشیر (اردشیر) [Dariadaxšir]، شاه پارس شهر هتره را تصرف کرد و شاپور پسرش دیهیم بزرگ را در ماه فارموتی در روز [هشتم] مطابق با سال قمری [۱۸/۱۷] آوریل ۲۴۰ م. پذیرفت؛ نک. داگن/لیو، ۲۰۰۲: ۳۳ و نیز ویسهوفر، ۱۹۸۷: ۳۷۴؛ طبری نلدکه: ۶۹-۶۲.

در شمال بین‌النهرین که رابط روم و شرق بود و نقش تجاری مهمی داشت، سیاست خارجی طرفین را در آستانه تازه‌ای نهاد. با مرگ اردشیر، به سال ۲۴۲ میلادی، پسرش شاپور شاهنشاه ایران شد. تصرف هتره و مسائل آن به شاپور رسید و منازعه با روم وارد مرحله‌ای تازه‌ای شد. درخصوص علت‌هایی که رویارویی ایران و روم را ناگزیر ساخت، مسائل زیر حائز اهمیت هستند:

۱. دعوای ارضی ساسانیان در برابر روم.

۱.۱ منابع رومی: هرودین گزارش می‌دهد که اردشیر، بر اردوان پارتی غلبه کرده است و بر آن است که تمام آسیا را مجدداً تسخیر کند که آن را میراث فرمانروایی ایرانیان می‌داند؛ چرا که این منطقه، و نیز ایونی و کاره، به دست کوروش تا داریوش (سوم) اداره می‌شد. این گزارش هرودین نشان می‌دهد که به‌زعم منابع رومی، اردشیر تمامی اروپا و سرزمین‌های حوالی دریای اژه را خواستار است و آن را حق موروثی خود می‌داند. دیوکاسیوس هم دیگر مورخ رومی است که چنین دیدگاهی را منعکس می‌کند.

۲.۱ منابع ایرانی: کارنامه اردشیر بابکان و نامه تنسر و طبری

آنچه درخصوص منابع ایرانی و عربی مهم است این است که این فتوحات شاپور، در خداینامه‌های دوره ساسانی و بالطبع در شاهنامه و غرر السیر تعالبی و طبری، یا بازتابی نیافته و یا اگر اشارتی شده، مختصر و البته با اشتباهات تاریخی منعکس شده است؛ چنانچه، بخشی از حوادث دوره شاپور اول، به دوره شاپور دوم نسبت داده شده است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۹۶ و نیز ۳۱۷). در کارنامه اردشیر بابکان، در آغاز متن، اشاره دارد به عصر اسکندر و پس از مرگ وی ایرانشهر به ۲۴۰ کدگ خودای (شاهان محلی) تقسیم شده بود و در ادامه، از دارای دارایان^۱ نام می‌برد که ساسان از تخمه وی بود (فروه‌وشی، ۱۳۷۸: ۴ و ۵). در تاریخ طبری هم این گزارش آمده است: «[اردشیر] در فارس برخاست تا به ادعای خود، کین پسرعم خود دارای دارایان پسر بهمن،

^۱Dārāy ī Dārāyān

پسر اسفندیار، همان که اسکندر با او جنگیده بود و دو تن از حاجبانش، او را کشته بودند، بازجوید. وی، آوازه در انداخت که می‌خواهد پادشاهی را به خداوندانش بازگرداند و مانند روزگار پیشین و نیاگان قبا از ملوک الطوائف زیر فرمان یک سردار و یک پادشاه گرد آورد» (شهبازی، ۱۳۸۹: ۹۴-۵). و در نامهٔ تنسر هم آمده که «اردشیر تا کینهٔ دارا باز نخواهد، از اسکندریان و خزاین و بیت‌المال معمور نکند...» (نامهٔ تنسر ۱۳۵۴). که روایتی دیگر است از ادعای اردشیر بر دستیابی بر اراضی گذشته مورد ادعای ساسانیان آغازین.

۲. دیدگاه ساسانیان در جانشینی هخامنشیان به‌عنوان برنامهٔ سیاست خارجی

مهم‌ترین این منابع، همین کتیبهٔ شاپور بر کعبهٔ زردشت است. نوشتن این کتیبه، در جایی که ادامهٔ سنت‌های هخامنشی است و سه‌زبانه بودن کتیبه‌های ساسانی و هخامنشی و نیز عناوینی همچون «شاهشاه»، که عنوان شاهان هخامنشی است و عنوان «ایران» که مدعای فرمانروایی بر تمامی دنیا است و آوردن تبارشناسی‌اش یعنی: پدر و نیاکان و اجداد^۱، برخی محققان را بر آن داشته که منظور از اجداد در این کتیبه همان هخامنشیان هستند؛ اما، این که ساسانیان از هخامنشیان آگاهی داشته‌اند یا نه، محل بحث‌های بسیاری شده است. از خود کتیبهٔ کعبهٔ زردشت، چنین برداشتی نمی‌شود. هسینگان هم آن‌چنان که رحیم شایگان نشان داده، به جد خود شاپور یعنی بابک می‌رسد که شواهد کتیبه‌ای همچون کتیبه‌های بلخی و کتیبه‌های فارسی باستان هم چنین ساختاری مشابه را نشان می‌دهند (شایگان، پیشین). درخصوص کیفیت آگاهی ساسانیان از هخامنشیان، سه نظر دیده وجود دارد: ۱- کسانی که براساس منابع کلاسیک رومی معتقد به تفسیر رومی^۲ هستند [مانند کتتهوفن^۳، روبین^۴] که در برابر هجوم ناگهانی ساسانیان آغازین به

¹ pidar ud niyāgān ud hasēnagān

² romana interpretation

³ Kettenhofen

⁴ Rubin

سرزمین‌های رومیان، در توجیه رفتار تهاجمی ساسانیان آن را به گذشته تاریخی آنها ربط دهند. ۲- کسانی که معتقد به حفظ یاد و خاطره هخامنشیان در دوره ساسانیان آغازین است [به‌مانند شهبازی، ویسهوفر، نیولی، وینتر/ دیکناس] ۳- و کسانی که برآنند که آگاهی ساسانیان آغازین از گذشته نه از هخامنشان که از کیانیان بوده است [به‌مانند محمد رحیم شایگان، فیلیپ هویسه]. (نک. به شایگان: ۱۱۳ و منابع مورد اشاره در آن). براساس کتیبه کعبه زردشت، شاپور سه جنگ با رومیان داشته است. در زیر، سه نبرد شاپور بر اساس کتیبه کعبه زردشت و همچنین روایت منابع رومی آورده می‌شود.

۴. کتیبه شاپور بر کعبه زردشت

در شمال و شمال شرقی تخت جمشید و استخر، کوهی قرار دارد که نام «حسین کوه»، یا گاه کوه حاجی آباد، دارد. حسین کوه با نام‌های کوه استخر، کوه نفست (نیشته‌دار) نیز معروف است (شهبازی، ۱۳۵۷: ۱۶). در جنوب این کوه، مجموعه صحنه‌هایی بر سینه کوه نقش شده است که به نقش رستم معروف است. نقش رستم، نامی است که در دوره اسلامی، به سبب تأثیر از شاهنامه‌خوانی و روایت‌های پهلوانی رستم، به آن داده‌اند. در این محوطه، نقش برجسته‌هایی از دوره عیلامی، هخامنشی و ساسانی وجود دارد. در محوطه نقش رستم، روبه‌روی کوه، بنای سنگی چهارگوش و پله‌داری است که به نام کعبه زردشت معروف است. پیش از این عنوان، نام محلی آن کرنای‌خانه یا نقاره‌خانه بوده است. نخستین بار، سیاحان اروپایی آن را آتشگاه زردشتیان نامیدند. بعدها، مسلمانان، به سبب مشابهت با کعبه، آن را کعبه زردشت نام نهادند (همان). برای این بنا، کارکردهای آتشگاه، آرامگاه، گنج‌خانه برشمرده‌اند (همو: ۳۶-۲۹). بر این بنا، سه کتیبه آمده است. نخستین بار که این کتیبه‌ها به پیدایی آمدند، سال ۱۹۳۶ میلادی در حفاری‌های اشمیت بود. او در اولین حفاری خود در دیوار شرقی روایت فارسی میانه، کتیبه شاپور را یافت. در ژوئن ۱۹۳۹، چند هفته پیش از پایان حفاری، به سبب جنگ دوم جهانی، روایت پارتی آن بر

دیواره غربی، روایت یونانی بر دیواره جنوبی و کتیبه کرتیردر زیر روایت فارسی میانه بر دیواره شرقی، به پیدایی آمد (گروپ^۱، ۲۰۱۲ و نیز هویسه^۲، ۱۹۹۹.ب.۱: ۷-۶). بدین ترتیب، متن یونانی بر جبهه جنوبی در ۷۰ سطر، متن پارتی بر جبهه غربی در ۳۰ سطر و متن فارسی میان بر جبهه شرقی در ۳۵ سطر آمده است. فردریش اشمیت از این کتیبه، قالبی تهیه کرد و با خود به مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو برد. نخستین بار، مارتین اشپرینگلینگ^۳ به خواندن آن همت گماشت که تا سال ۱۹۵۳ موفق به چاپ آن نشد. پس از وی، والتر هنینگ^۴، براساس عکس‌هایی از اشپرینگلینگ، در مقاله‌ای به نکات مهم آن پرداخت. سپس، ماریک^۵ (۱۹۶۵) با گسترده‌تری بیشتر، این کتیبه را تحلیل‌های تاریخی و زبانی کرد. جامع‌ترین پژوهش بر این کتیبه را به‌تازگی فیلیپ هویسه (۱۹۹۹)، در دو مجلد، انجام داده است. اهمیت کار او این است که سه روایت فارسی میانه، پارتی و یونانی را با هم آورده است؛ اگر چه ترکیب واژه‌نامه‌اش، دچار مشکل شده و مبنای واژگان یونانی قرار داده است و در جلد دوم، تعلیقات بسیار عالمانه و گسترده‌ای عرضه کرده است. کتاب‌شناسی آن، جامع‌ترین کتاب‌شناسی از این کتیبه است. به سبب اهمیت این کتیبه برای غربیان، نخستین بار، رستف تسف^۶، محقق نامدار تاریخ روم، به قیاس با کتیبه بزرگ قیصر اگوستوس^۷ آن را *کارنامه بزرگ شاپور*^۱ نامید و پس از آن نیز به همین نام معروف شد (هویسه، ۱۹۹۹.ب.۱: ۱۵). از سه روایت آمده، روایت فارسی میانه، روایت اول و اصلی است و دو روایت دیگر از روی آن نوشته شده‌اند (هویسه، ۱۹۹۸: ۴۸۹ و بعد؛ همو ۱۹۹۹.ب.۱:). روایت فارسی میانه، بسیار آسیب دیده است و در حقیقت خوانش کتیبه براساس روایت یونانی و پارتی بوده است. نیز گفتنی است که میان دو روایت پارتی و یونانی، توافق بیشتری است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۸۶). زمان نوشته‌شدن کتیبه را حدود ۲۶۰ میلادی، پس از سه جنگش با رومیان، دانسته‌اند.

¹ Gropp

² Huyse

³ Springling

⁴ Walter Henning

⁵ Maricq

⁶ Rostovtzeff

⁷ Res Gestae Divi Augusti

⁸ Res Gestae Divi Saporis(RGDS)

۴. ۱. اطلاعات تاریخی

کتیبه حاضر از مهم‌ترین کتیبه‌های دوره ساسانیان آغازین است. اهمیت این کتیبه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. نسب‌شناسی و منصب‌شناسی: در این کتیبه، فهرست کاملی از نسب خاندان سلطنتی ساسانی آمده است. نیز، برای نخستین بار، از ساسان جد اعلای ساسانیان با نام ساسان خودای نام برده شده است. اضافه بر این نسب‌شناسی، فهرست کاملی هم از درباریان پابگ شاه و اردشیر و شاپور آمده است که در شناخت شکل‌گیری و تحول و تکامل حکومت ساسانی بسی مهم است. ذکر عنوان و منصب ۱۶۷ نام آمده در کتیبه، کمک بسیاری کرده تا ساختار و مناسبات اداری و ساختار حکومتی ساسانیان آغازین شناخته شود.

۲. تاریخ سیاسی و جغرافیای تاریخی ساسانیان آغازین: این کتیبه، تنها سند ایرانی در خصوص روابط سیاسی ایران و روم است. برخلاف منابع رومی که جنگ‌های ایران و روم در عصر شاپور را به ایجاز گفته‌اند؛ شاپور به تفصیل از سه جنگ خود با رومیان سخن گفته است. با فتوحات گسترده شاپور به خارج از مرزهای ایران، برای نخستین بار واژه انیران در توصیف قلمور غیر ایرانی در این کتیبه آمده است؛ نیز، برای نخستین بار، عبارت /یرانشهر برای نامیدن کشور ایران آمده که از ابداعات ساسانیان است. ذکر نام استان‌های ایرانی و غیر ایرانی، حدود و ثغور حکومت شاپور را نشان می‌هد.

۳. سنت‌ها و آئین‌های دینی: در این کتیبه، به سنت وقف مثل برپایی بناهای دینی و تأسیس آتش‌های مقدس و نیز ندورات اشاره شده است که در شناخت مبانی دینی ساسانیان آغازین مهم است. از جمله این سنتها اشاره به خویدوده و آئین پدروان^۱، که گونه‌ای بنیاد موقوفات دینی برای روان درگذشتگان بوده، است.

^۱ pad ruwān

۵. نبردهای شاپور با رومیان

۵.۱. نبرد نخست

نخستین نبرد به سال ۲۴۴-۲۴۲ میلادی، تاریخ یقینی‌تر فوریه ۲۴۴ م. (آلرام^۱ و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۲) رخ داده است. روایت ایرانی کعبه زردشت به شرح زیر است:

روایت پارسی: ۴-۳ (هویسه، ۱۹۹۹ اب ۱: ۲۷-۲۶؛ ماریک، ۱۹۶۵: ۳۰۸-۳۰۶؛ شایگان، ۱۹۹۹: ۸۰؛ عریان، ۱۳۸۲: ۲۷ به بعد)

ud kaḍ naxwišt pad šahr awištād ahēm, Gōrdanyōs Kēsar aḡ hamag Frōm , Gōt ud Garmāniyā/ Garmān Šahr zāwar hangāwišn kerd; ud ō Asūrestān abar Ērānšahr ud amā āγ[a]d, ud Pad Asūrsetān m[arz] pad Mišīk/g paddēmān wuzurg zambag būd. Gōrdanyos Kēsar ōžad. Frōmāyī/ān zāwar *wānād ud Frōmāyīn Filip(p)os Kēsar kard.

«و آن‌گاه که برای نخستین بار بر کشور مستقر شدم، قیصر گردیانوس از تمام کشورهای روم، گت و ژرمن نیرو جمع‌آوری کرد و به آسورستان، بر علیه کشور ایران و ما حرکت کرد، و در مرز آسورستان و میشیک، نبردی^۲ بزرگ رخ داد. قیصر گردیانوس کشته شد. سپاه روم نابود شد و رومیان فیلیپ^۳ را قیصر کردند.»

منابع رومی نیز بر آنند که گردیان سوم، در بهار ۲۴۳ م.، از انطاکیه^۴ حرکت کرد و توانست در نبرد رسانیه، رأس‌العین حالیه، کاره و نصیبین را از ساسانیان باز پس بگیرد و

^۱ Alram

این نبرد در فاصله سال‌های ۱۳ ژانویه ۲۴۴ م و ۱۴ مارس ۲۴۴ م رخ داد (داگن/لیو، ۲۰۰۲: ۳۵، شماره ۷). در منابع رومی متأخر، این واقعه به صورت گذرا و یک حادثه معمولی ذکر شده است. تنها منبع رومی که مرگ گردیان را در میشیک گزارش می‌کند Oracula است که مطابق روایت کتیبه شاپور است (پیشین: ۳۵۴؛ شماره ۹). منابع متفق‌القول هستند که عملیات را پدرزن گردیان یعنی تیمستوس می‌گردانده است (برای خلاصه جنگ‌های شاپور نک. فرای، ۱۳۸۰: ۴۷۸-۴۷۴، همو، ۱۳۶۸: ۲۲۸-۲۲۵، شییمان، ۱۳۸۳: ۳۵-۲۸، وینتر/دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۹-۵ و ۶۶-۴۵ و به‌ویژه فلیکس، ۱۹۸۵: ۸۹-۴۳؛ کتنهوفن، ۱۹۸۲؛ آلرام و دیگران، ۲۰۰۷).

^۲ برای روایت‌های منابع لاتین از این نبرد و مرگ گردیان نک. داگن/لیو، ۲۰۰۲: ۴۵-۳۶.

^۴ در توسعه ارضی شاپور به سرزمین‌های شرقی روم، انطاکیه یکی از مسائل مهم این منازعه بود. انطاکیه که مرکز سلوکیان بود از مراکز مهم راه‌های کاروان رو در خاورمیانه بود (شومون ۱۹۸۶).

اینان را شکست دهد که البته این شکست شاپور، در منابع ایرانی انعکاسی نیافته است.^۱ این قیصر، توانست تا اسورستان نفوذ کند و قصد تصرف تیسفون را داشت. مواجهه شاپور و گردیان در این زمان رخ داد و در جایی، به نام میشیک، نبرد آغاز شد. مطابق روایت کعبه زردشت، گردیان کشته شد و رومیان ناچار به صلح شدند. منابع رومی، در خصوص چگونگی مرگ گردیان، متفق القول نیستند. اکثریت منابع، مرگ او را ناشی از کوتاهی فیلیپ می‌دانند و اشاره‌ای هم به نبرد میشیک ندارند و از پیروزی گردیان سخن گفته‌اند. اما برخی منابع، مرگ او را در نبرد و افتادن از اسب^۲ و نیز به سبب زخم در جنگ گزارش داده‌اند (شهبازی ۲۰۰۲). منابع غربی، سعی دارند این شکست را کم‌اهمیت نشان دهند و فیلیپ عرب را مسبب این شکست بدانند (وینتر / دیگناس، ۱۳۸۶: ۶۳)؛ اما، منابع غربی، سعی بر مسکوت نهادن این شکست دارند و از این رو، فیلیپ عرب را مسبب مرگ گردیان می‌دانند. به هر حال، نتیجه جنگ، معاهده صلحی به نفع ایران شد. این معاهده صلح، در کتیبه کعبه زردشت، چنین آمده است:

۵. ۱. ۱. معاهده صلح - ۲۵۲ میلادی - بر اساس کتیبه کعبه زردشت (هویسه، ۱۹۹۹ ب. ۲: ۲۷):

Ud Filip(p)os Kēsar amā ō nemastīg āyad , ud gyān guxan dēnār 500 hazār ō amā dād , pad bāž awestād ,ud amā Mišik až ēd kerd Pērōz-Šābuhr nām awestād.

«و قیصر فیلیپ، به لابه، سوی ما آمد و برای خون‌بهایش (جانش)، ۵۰۰ هزار دینار به ما داد و باج گزار ما شد و ما بدین جهت، میشیک را، پیروز شاپور^۳، نام نهادیم.»

^۱ در تاریخ‌نویسی غربی هم همین است که از شکست‌ها سخنی به میان نمی‌آید. شاپور از نبرد رساینه ذکر نمی‌کند و در عوض رومیان از نبرد میشیک سخنی نمی‌گویند (وینتر / دیگناس: ۶۲).

^۲ گفته شده که گردیان یا در جنگ کشته شده یا از زخم جنگی و در بستر یا به توطئه فیلیپ کشته شده است (آلرام و دیگران ۲۰۰۷: ۱۲؛ گوبل ۱۹۷۴: ۱۶-۲۰؛ هویسه ۱۹۹۹ ب. ۲: ۵۰-۴۷)

^۳ انبار فعلی، در منابع رومی آن را پیری-سابور (Pirisabora) نامیده‌اند (داگن / لیو، پیشین: ۳۵۸، شماره ۲۶).

این معاهده صلح را منابع غربی نیز آورده‌اند و از آن، تعبیر معاهده شرم‌آور کرده‌اند و براساس همین منابع، ارمنیه و بین‌النهرین به شاپور واگذار شد (داگن / لیو، ۲۰۰۲: ۵۶-۴۵؛ و نیز وینتر/ دیگناس: ۱۰۲). اما، در کتیبه کعبه زردشت، تنها از فتح میثیک که به پیرو شاپور تغییر نام داده شد، سخن رفته است. این صلح چندان پایید. منابع غربی، این صلح را «صلحی سخت شرم‌آور» دانسته‌اند (وینتر/ دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۰۲). اما، فیلیپ عرب، این صلح را بر سکه‌های خود، پیروزی نمایاند. با شکست سختی که رومیان در میثیک خوردند این صلح، برای رومیان، موفقیت‌آمیز تلقی شده است. در هر حال، این پیروزی‌ها، غرور ملی شرق را در برابر روم تقویت کرد (همان: ۱۰۳). براساس نوشته زونارس^۱، بعدها، فیلیپ معاهده صلح را شکست و توانست مجدداً بین‌النهرین و ارمنیه را تصرف کند (داگن / لیو، ۲۰۰۲: ۴۷). این عهدشکنی، سبب آغاز نبرد دوم شد.

۵. ۲. نبرد دوم

نبرد دوم، به گفته شاپور، ستم رومیان بر ارمنیه بود. پیش از آغاز این نبرد، شاپور در ارمنیه- حدود سال‌های ۲۴۴م. به بعد- توانست خسرو دوم، شاه ارمنیه، را بکشد و پسر این خسرو یعنی تیرداد به روم پناهنده شد.^۲ در حدود سال ۲۵۲م. شاپور، نصیبین را هم تصرف کرد.^۳ نبرد دوم با فیلیپ به سال ۲۵۲م. بوده است^۱:

^۱ Zonaras

^۲ برای تفصیل منابع ارمنی در این خصوص نک. داگن / لیو، پیشین: ۴۹.
^۳ برای منابع آن نک. داگن / لیو ۲۰۰۲: ۴۹؛ طبری (نلدکه: ۶۰) می‌گوید که تسخیر نصیبین در سال یازدهم سلطنت شاپور بوده است (یعنی سال ۲۵۱/۲م)؛ اما نام نصیبین در فهرست شهرهای تسخیر شده در کتیبه شاپور بر کعبه زردشت در نبردهای دوم و سوم نیامده است و هیچ یک از منابع رومی هم آن را گزارش نکرده‌اند (پیشین: ۳۶۰، شماره ۱). به نظر روبین دلیلش شاید آن باشد که شاید این شهر در زمره بخش‌های آزاد شده شاهنشاهی ایرانی بوده و نه به واسطه پیروزی بر رومیان؛ هم چنین در خصوص حذف نام دو شهر کاره و ادسا هم به همین دلیل است چرا که این دو شهر را هم شهرهایی ایرانی بودند که رومیان از اشکانیان گرفته بودند و تصرف آنها به واقع تصرف شهرهای از دست رفته بود و از آن رومیان نبوده است (روبین، ۱۹۹۸: ۱۸۴). در معاهده صلح میان شاپور و فیلیپ این شهر و مناطق میان‌رودان شمالی در اختیار روم باقی ماند. از همین رو، عنوان افتخاری جولین را هم یافت. نام کامل فیلیپ، جولوس فیلیوس بوده است. منابع رومی گویند که در زمان شاهزاده‌ای پالمیرایی به نام اودنتاتوس (Odaenathus) این شهر تحت نظارت روم درآمد. اوتیخیوس و طبری ذکری دارند از تصرف این شهر توسط شاپور (لیو ۲۰۰۶)؛ روایت طبری از این

روایت پارتی: ۹-۴ (هویسه، ۱۹۹۹ ب. ۲: ۳۳-۲۸؛ شایگان، ۱۹۹۹: ۸۱)

ud Kēsar bid druxt ō Armin winās kerd, ud amā abar Frōmāyī/ān šahr wihīšt ahēm, ud Frōmāyī/ān zāwar 60 hazār pad/ andar Bēbāliš ōzad. ud Asūriya šahr ud čē abar Asūriyā šahr parβē/ār būd , hamag ādurwaxt, awērān ud wardyāz/ wardāz kerd grift pad hō ē(w) yāwar až Frōmāyī/ān šahr diz ud šahrestān. Ānāt šahrestān ađ parβēr hamgōs, Bīrt Arūbān ađ parβēr hamgōs, Bīrt Aspōragān ađ parβēr hamgōs, Sūrā ađ parβēr hamgōs, *Bēbāliš ađ parβēr hamgōs, Manbūg ađ parβēr hamgōs, Halab ađ parβēr hamgōs, Kinašrā ađ parβēr hamgōs, *Apōmiyā ađ parβēr hamgōs, *Refaniyos ađ parβēr hamgōs, Zōmā ađ parβēr hamgōs, Urnā ađ parβēr hamgōs, Gindaros ađ parβēr hamgōs, Armenāž ađ parβēr hamgōs, Selūkiyā ađ parβēr hamgōs, Andiyōk ađ parβēr hamgōs , Kir(r)os ađ parβēr hamgōs , any Selūkiyā ađ parβēr hamgōs, Aleksandariyā ađ parβēr hamgōs , *Nīkopolos ađ parβēr hamgōs , Sīzar ađ parβēr hamgōs , Hamāt ađ parβēr hamgōs, Aristōn ađ parβēr hamgōs , Dīkōr ađ parβēr hamgōs , Dūrā ađ parβēr hamgōs , Dōlōx ađ parβēr hamgōs , Kirkisiyā ađ parβēr hamgōs , Garmaniyos ađ parβēr hamgōs , Batnai ađ parβēr hamgōs , *Artangiliyā ađ parβēr hamgōs , Suš V, Š ūd ađ parβēr hamgōs , Frāt ađ parβēr hamgōs , hamsāg šahrestān ađ parβēr hamgōs 37.

« و قیصر (فیلیپ اول؟)، دیگر بار، به ارمنیه حمله کرد. و بر کشور روم حمله کردیم و ۶۰ هزار نیروی رومیان در بیابالش (باربالیسوس، قلات بالیس) نابود کردیم. و کشور آسور/ آشور و هر آن چه که پیرامون کشور آسور/ آشور بود همه در آتش سوخت، ویران و غارت کردیم. و در این نبرد از میان این دژها و شهرها را از کشور روم گرفتیم: شهر آنات (عانه امروزی در کنار فرات) با سرزمین‌های پیرامون آنها، بیست اروبان با سرزمین‌های

قرار است: « در سال یازدهم پادشاهی خود [شاپور] به شهر نصیبین، که سپاه‌یانی از روم در آن بودند، بتاخت و مدتی ایشان را در حصار گرفت. می گویند دیوار شهر خود شکافته شد و رخنه‌ای در آن پدید آمد که شاپور از آن به درون شهر راه یافت و جنگجویان را بکشت و زنان و کودکان را اسیر کرد و اموال فراوانی که قیصر آنجا داشت تصرف کرد.» (طبری: ۶۰). این روایت احتمالاً مربوط به تصرف این شهر در سال ۳۵۰ میلادی توسط شاپور دوم بوده باشد (لیو ۲۰۰۶). در هر روی، باید روایات این منابع عربی را صورتی از حقیقت دانست.

^۱ در کتیبه نامی از فیلیپ نیست. احتمال داده‌اند که فرمانده مغلوب رومی، حکمران سوریه بوده است (شیمان، ۳۱: ۱۳۸۳) در زمان حکومت گالوس (۲۵۳-۲۵۱) ساسانیان ارمنیه را تصرف کردند و در بهار ۲۵۳ م. شاپور به سوریه روم حمله برد.

پیرامون آنها (بیروت اروپین، قریهٔ امروزی، دژی در سوریه)، بیروت اسپورگان با سرزمین‌های پیرامون آنها (حلبیه امروزی، دژی در سوریه)، سورا با سرزمین‌های پیرامون آنها (سوریهٔ امروزی)، بیبالیس با سرزمین‌های پیرامون آنها (باربالیسوس)، منبوغ با سرزمین‌های پیرامون آنها (هیراپولیس)، حلب با سرزمین‌های پیرامون آنها، کینشرا با سرزمین‌های پیرامون آنها (خالکیس، خرابه‌هایی در قنسرین نزدیک عیس در سوریه)، اپومیا با سرزمین‌های پیرامون آنها (آپه‌میا، قلات الموریک امروزی)، رفانیوس با سرزمین‌های پیرامون آنها (رفانیا، رفنیه امروزی در سوریه)، زوما با سرزمین‌های پیرامون آنها (بلقیز امروزی در کنار فرات)، اورینا/اورینا با سرزمین‌های پیرامون آنها (هروم هویوک امروزی در کنار فرات)، گنداروس با سرزمین‌های پیرامون آنها (روستایی در سوریه)، ارنا با سرزمین‌های پیرامون آنها (لارمناز)، سلوکیه با سرزمین‌های پیرامون آنها، انطاکیه با سرزمین‌های پیرامون آنها، کروس با سرزمین‌های پیرامون آنها (قلات بنی‌هوروی امروزی)، و یک سلوکیهٔ دیگر با سرزمین‌های پیرامون آنها، اسکندریه با سرزمین‌های پیرامون آنها (اسکندرون امروزی در سوریه)، نیکوپولیس با سرزمین‌های پیرامون آنها (اسلهیهٔ امروزی)، سیزر با سرزمین‌های پیرامون آنها (سیزر امروزی)، همت با سرزمین‌های پیرامون آنها (همهٔ امروزی در سوریه)، اریستون با سرزمین‌های پیرامون آنها (الریستن امروزی)، دیکور با سرزمین‌های پیرامون آنها، دورا با سرزمین‌های پیرامون آنها (دورا اروپوس)، دولوخ با سرزمین‌های پیرامون آنها (دولوک امروزی)، کرکیسیا با سرزمین‌های پیرامون آنها (البوسیره امروزی در کنار فرات)، گرمانیه با سرزمین‌های پیرامون آنها (مرعش امروزی در سوریه)، بتنان با سرزمین‌های پیرامون آنها، خانر با سرزمین‌های پیرامون آنها، و از کاپادوکیه با سرزمین‌های پیرامون آنها: شهر ساتل با سرزمین‌های پیرامون آن (سدک امروزی)، دومان با سرزمین‌های پیرامون آنها، ارتنگلیه با سرزمین‌های پیرامون آنها، سوش با سرزمین‌های پیرامون آنها (کلکیت امروزی)، شور با سرزمین‌های پیرامون آنها، فرات با سرزمین‌های پیرامون آنها، همهٔ سی و هفت شهر با سرزمین‌های پیرامون آنها^۱»

^۱ برای روایت منابع رومی نک. داگن/لیو، ۲۰۰۲: ۱۰-۱؛ این نبرد هم در منابع رومی انعکاسی نیافته است.

در خصوص نبرد دوم، منابع غربی بسیار اندک، متناقض و خصمانه است؛ در حالی که روایت شاپور، صادقانه و کامل است (شهبازی ۲۰۰۲). هم‌چنان که در این روایت آمده، علت جنگ مسائل ارمنیه بوده است. پس از فیلیپ عرب (۲۴۹-۲۴۴ م.)، تره‌بنیانوس گالوس (۲۵۳-۲۵۱ م.)، امپراتور روم شد. پناهنده شدن تیرداد، این فرصت را برای شاپور فراهم آورد تا از عهدشکنی رومیان نسبت به قرارداد صلح استفاده کند و به ارمنیه، حمله برده و سلسله اشکانی آن‌جا را از میان ببرد و به استانی ساسانی بدل کند. به احتمال، در سال ۲۵۳ میلادی، هم شاپور به کمک یک سوری به نام ماریادس^۱ - یک نام سریانی است که صورت سریانی آن ماریاذع^۲ به معنی سرورم است و برخی منابع، به غلط، صورت کوریادس آورده‌اند - توانست انطاکیه، بر ساحل اورونتوس، را تصرف کند^۳ (داگن / لیو، ۲۰۰۲: ۵۰۱؛ فلیکس، ۱۹۸۵: ۷۳ و بعد). مجموعه اطلاعات، نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۲۵۳-۶ چندین نبرد رخ داده است^۴ که هدف غایی همانا تصرف انطاکیه بوده است. در مرحله نخست، احتمالاً، شاپور، ارمنیه را مجدداً تصرف کرده و پسرش، هرمز اردشیر، را در آن‌جا گماشت و عنوان شاه بزرگ ارمنیه را بدو داد. در این زمان، مرزهای شمالی ساسانی امن شد. شاپور، بعد از شکست سپاه روم در باربالیسوس، سپاهش را به دو بخش تقسیم کرد. یکی به رهبری خودش به سوریه تاخت و بخش دیگر، به رهبری هرمز اردشیر از راهی دیگر به ارمنیه صغیر و کاپادوکیه^۵ تاخت (شهبازی ۲۰۰۲).

۵.۳. نبرد سوم

آخرین نبرد شاپور با رومیان است که در کتیبه کعبه زردشت از آن سخن رفته است. به واقع، اوج اقتدار شاپور و شاهنشاهی ساسانی، در این نبرد است.

^۱ به روایت تاریخ آگوستوس (Historiae Augustae) شاپور این مرد را امپراتور شرق کرد و بدو عنوان قیصر را داد. اما این روایت قابل اعتماد نیست. یک منبع مسیحی به نام تاریخ سیرت سخن از اسارت و انتقال شمار بسیاری از ساکنان انطاکیه به رهبری دمتریانوس مطران دارد (شومون، پیشین).

^۲ Māryād'a

^۳ در خصوص تاریخ تصرف انطاکیه برخی منابع سال ۲۵۶ م. را فرض کرده‌اند (شومون، پیشین).

^۴ فرای این سال را ۲۵۵-۲۵۴ می‌داند (۱۳۸۰: ۴۷۵).

^۵ علت فتح و ویرانی کاپادوکیه در نبرد سوم نیرو در اختیار نهادن این استان رومی برای والرین بود.

روایت پارتی ۱۶-۹ (هویسه، ۱۹۹۹ ب. ۱: ۴۳-۳۳؛ شایگان، ۱۹۹۹: ۸۱).

Hridīg yāwar kaḍ amā abar Harrān ud Urhā wihišt ahēm ud Harrān ud Urhā parrūdīd/ paywadād, Wālaraniyos/ Wālarunyōs Kēsar abar amā āyad. ud būd aḍ aḷ Garmāniyā šahr, aḷ Rēšiya šahr, aḷ Nīrakos Šahr, aḷ Dākiya šahr, aḷ Pannaniyā šahr , aḷ Mōsiyā šahr, aḷ Astriyā šahr, aḷ Ispaniyā šahr, aḷ Afrikiyā šahr, aḷ Trākiyā šahr, aḷ *Bitūniyā šahr, aḷ Āsāyā šahr, aḷ *Pamfilāyā Šahr, aḷ Isawriyā šahr, aḷ Likōniyā šahr, az Galātīniyā šahr, aḷ Lūkiyā šahr, aḷ Kilikiyā šahr, aḷ Kap(p)ādakiyā šahr, aḷ Frūgāyā šahr, aḷ Sūriyā šahr, aḷ Fonikāyā šahr, aḷ Yūdāyā šahr, aḷ Arabiyā šahr, aḷ Mōrān šahr, aḷ Garmāniyā šahr, aḷ Rōdōs šahr aḷ ... (?) šahr, aḷ Maḍyānrōdān šahr zāwar 70 hazār ud aḷ hō ārag Harrān ud Urhā aḍ Wālaraniyos Kēsar wuzurg raf būdm, ud Wālaraniyōs Kēsar wxad pad wxēbēh dast dastgraḷ kerd ud *Ōyādag, *rabēsēf, sānatōr ud hēgēmōn kē hō zāwar sārār būd, harw dastgraḷ kerd , ud bē ō pārs wāst ahēnd. ud Sūriyā šahr, Kilikiyā šahr Kap(p)ōdakiyā šahr, ādurwaxt, awērān ud wardyāz kerd. ud grift hō yāwar aḷ Frōmāyīn šahr Aleksandriyā Katis(s)os šahrestān aḍ parḷēr hamgōs Šamšāt aḍ parḷēr hamgōs, *Katabalā aḍ parḷēr hamgōs, Aygā aḍ parḷēr hamgōs, Māmāstiyā aḍ parḷēr hamgōs, Māl(o)s aḍ parḷēr hamgōs, *Adāniyā aḍ parḷēr hamgōs, *Tarsos aḍ parḷēr hamgōs, Zefirōn aḍ parḷēr hamgōs, Sebastiyā aḍ parḷēr hamgōs, Kōrikos aḍ parḷēr hamgōs, Anazarbos aḍ parḷēr hamgōs, Kastābala aḍ parḷēr hamgōs, Nerōniyās aḍ parḷēr hamgōs, Flāwiyās aḍ parḷēr hamgōs, Nīkopolos aḍ parḷēr hamgōs, Ēpīfanyā aḍ parḷēr hamgōs, Kīlindiros aḍ parḷēr hamgōs, *Anīmūrīn aḍ parḷēr hamgōs, Selīnūs aḍ parḷēr hamgōs, Mīyanpolos aḍ parḷēr hamgōs, Andiyōkiyā aḍ parḷēr hamgōs, *Sardiyāb aḍ parḷēr hamgōs, Mōstinopolos aḍ parḷēr hamgōs, Tūyanā aḍ parḷēr hamgōs, Kēsariyā aḍ parḷēr hamgōs, Kōmānāyā aḍ parḷēr hamgōs, Kūbistariyā aḍ parḷēr hamgōs, Sebastiyā aḍ parḷēr hamgōs, Bīrt aḍ parḷēr hamgōs, Rākūndiyā aḍ parḷēr hamgōs, Lārandiyā aḍ parḷēr hamgōs, *Īkōniyā aḍ parḷēr hamgōs, hamsāg šahrestān aḍ parḷēr hamgōs 36.

«در سومین نبرد، هنگامی که بر حران (کاره) و رها (ارفه، ادسا)^۱ حمله کردیم و حران و رها را محاصره کردیم، قیصر والرین به سوی ما حمله کرد. به همراه او، سپاهی هفتاد هزار نفری از شهرهای گرمانیه، ریشیه (رتیه)، نیرکوس (نوریکوم)، داکیا، پنه‌نیا، موسیا، استریا، اسپینا (هیسپنیه-اسپانیا)، افریقا (افریقا، موریتانیا)، تراکیه، بیتونیا، آسایا (آسیا)، پمفیلیا، ایسه وریا، لیکونیا، گلاتینیا (گالاتیه)، لوکیا، کلیکیا (کلیکیه)، کاپادوکیا (کاپادوکیه)، فروگایا (فریگیه)، سوریه، فونیکایا (فینیقیه)، یودایا (یهودیه)، عربایا (عربیه)، موران (موریتانیا)، گرمانیا (ژرمنیه)، رودوس (لیدیه)، آسروئن (در شمال فرات)، میان‌رودان بود. و در ناحیه حران و رها، میان ما و قیصر والرین، نبرد بزرگی روی داد. و ما قیصر والرین را خود با دست خویش دستگیر کردیم و دیگر [افراد سپاه شامل] فرمانده لشکر^۲، سناتورها و افسران که فرمانده آن نیروها بودند همه را دستگیر کردیم و به پارس فرستادیم. و شهرهای سوریه، کلیکیه^۳ و کاپادوکیه، را سوزانده، ویران و غارت کردیم. و از رومیان این شهرها گرفته شد: اسکندریه و کتیسوس با سرزمین‌های پیرامون آنها، شمشات (سمست امروزی) با سرزمین‌های پیرامون آنها، کتابالبا سرزمین‌های پیرامون آنها، ایگه‌ایبا سرزمین‌های پیرامون آنها (ایس^۴ امروزی)، مامه‌سستیا با سرزمین‌های پیرامون آنها (میسس امروزی)، مالوس با سرزمین‌های پیرامون آنها، ادنه با سرزمین‌های پیرامون آنها، ترسوس با سرزمین‌های پیرامون آنها، اگوستیا با سرزمین‌های پیرامون آنها، زفیرون با سرزمین‌های پیرامون آنها (مرسین امروزی)، سبستیا با سرزمین‌های پیرامون آنها، کوریکوس با سرزمین‌های پیرامون آنها (کرگوس امروزی)، انه زربوس با سرزمین‌های پیرامون آنها، کستابله با سرزمین‌های پیرامون آنها (بدروم امروزی)، نرونیاس با سرزمین‌های پیرامون آنها، فلاویاس با سرزمین‌های پیرامون آنها، نیکوپولوس ایپفانیا با سرزمین‌های پیرامون آنها، کیلیندریس با سرزمین‌های

^۱ ادسا (اورهی/اورهای آرامی و سریانی و رهاغ عربی) که اکنون به نام اورفه در جنوب شرقی ترکیه است، نامش در فهرست استان‌های تصرف شده در این نبرد شاپور نیامده است. در هر حال، به نظر می‌رسد که این شهر زمانی کوتاه در دست شاپور بوده است (لیو ۱۹۹۷).

^۲ نام این فرمانده سپاه احتمالاً سوکسه سیانوس بوده است (داگن/لیو، ۲۰۰۲: ۳۰۵، شماره ۳۷).

^۳ این استان رومی هم به دلیل در اختیار نهادن نیرو برای والرین سرنوشت کاپادوکیه را یافت.

پیرامون آنها، انی مورین با سرزمین‌های پیرامون آنها، سلینوس با سرزمین‌های پیرامون آنها، میانپولوس با سرزمین‌های پیرامون آنها، انطاکیه با سرزمین‌های پیرامون آنها، سردیاب با سرزمین‌های پیرامون آنها، موستینوپولوس با سرزمین‌های پیرامون آنها، تویانا با سرزمین‌های پیرامون آنها، قیصریه با سرزمین‌های پیرامون آنها، کومانایا با سرزمین‌های پیرامون آنها، کوبستریا با سرزمین‌های پیرامون آنها، بیرت با سرزمین‌های پیرامون آنها، راکوندیا با سرزمین‌های پیرامون آنها، لارندیا با سرزمین‌های پیرامون آنها، ایکونیا با سرزمین‌های پیرامون آنها، همه این شهرها همراه با اراضی پیرامونشان که (تعدادشان) ۳۶ تا است.^۲

این نبرد، به احتمال، در سال ۲۶۰ میلادی رخ داده است.^۳ در سال ۲۵۵ م، والرین، امپراتور شد. در هنگامی که والرین به سوریه رسید، در ضراب‌خانه سموسته^۴ سکه‌های طلایی برای او زده شد. گوبل، رسیدن وی را به شرق به آغاز سال ۲۵۵ م. و کنتهوفن هم، براساس کتیبه‌ای در لودییه، معروف به کتیبه فیلادلفیای لودییه، ۱۸ ژانویه ۲۵۵ م. می‌دانند (آلام و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۳ و نیز شماره ۱۱). مواجهه بزرگ، در سال ۲۶۰ م، رخ داد. ابتکار عمل باز در دستان شاپور بود از دجله عبور کرد وارد میان رودان شد و کاره و ادسا را فتح نمود و در آخر، والرین اسیر شد. منابع رومی، متفق‌القول هستند که والرین، در این نبرد، اسیر شد. اسیر شدن والرین، چنان آوازه یافت که در منابع دوره اسلامی مثل طبری هم

^۱ در واقع انطاکیه دو بار به تصرف شاپور درآمد یکی در نبرد نخست و دیگری در این نبرد که والرین در انطاکیه اسیر شد (فرای، ۱۳۸۰: ۴۷۷).

^۲ برای دیدگاه منابع رومی نک. داگن / لیو، پیشین: ۶۵-۵۸). فهرستی دیگر از قلمرو شاپور در کتیبه کرتیر در کعبه زردشت آمده است (بک، ۱۹۷۸: ۴۹-۲۹). کتیبه شاپور بر کعبه زردشت احتمالاً در حدود بعد از سال‌های ۲۶۰ م. (اسیر شدن والرین) تا ۲۶۲ م. (مخاصمات پالمیرا) نوشته شده است (میر، ۱۹۹۰: ۲۹۹-۲۹۷)؛ گوبل (۱۹۶۹: ۲۸۸، شماره ۱۶)؛ و دیگران (کنتهوفن، ۱۹۸۲: ۴۳، شماره ۱۰۴) برآند که این کتیبه توسط پسر و جانشینش هرمز اول نوشته شده است به این دلیل که عنوان انیران بر روی سکه‌های شاپور نیامده است. برای شرح تمام نظریات نک. (هویسه، ۱۹۹۹ ب. ۱: ۱۴-۱۰ و شماره ۷۳). این فرضیه اکنون دیگر مورد قبول نیست. (نک. آلام و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۶؛ هویسه، ۱۹۹۸: ۱۱۲؛ میر ۱۹۹۰: ۲۸۶؛ شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۱۵).

^۳ فرای این تاریخ را ۲۵۸ یا ۲۵۹ می‌داند (فرای، ۱۳۸۰: ۴۴۷). کنتهوفن براساس پایروس‌های دوره حکومت والرین مربوط به قرن هفتم میلادی در مصر بر آن است که والرین در تابستان سال ۲۶۰ م، ۱۷/۹/۲۶۰، به اسارت درآمده است (۲۰۰۱: ۲۰). برای تاریخگذاری‌های مختلف محققان نک. هویسه، ۱۹۹۹ ب. ۲: ۱۱، شماره ۴۲).

^۴ Samosata

از آن روایت شده است.^۱ در خصوص سرنوشت بعدی والرین، منابع، متفاوت گفته‌اند. اما احتمال دارد که در اسارت در گذشته باشد. نقش برجسته‌های شاپور، نشان می‌دهد که هرگز با والرین بی‌احترامی نشده است. در طی نبرد سوم، انطاکیه دوباره فتح شد، سموسته غارت شد و لشکریان شاپور تا کلیکیه (طبری قالوقیه آورده) و کاپادوکیه (طبری قدوقیه آورده) پیش رفتند. با فتح انطاکیه و سموسته، دو ضراب‌خانه مهم شرقی روم به دست ساسانیان افتاد. نتیجه این نبرد، اسارت ۷۰ هزار نفر از فرماندهان و رومیان شد که شاپور، آنها را به ایران آورد. حضور این رومیان اسیرشده، باعث توسعه زیربنایی شهرهایی مثل فارس و خوزستان شد. نیز سبب ایجاد تشکل‌های مسیحی در جنوب ایران، فارس و خوزستان شد که با تسامح شاپور به راحتی زندگی می‌کردند. اما در زمان بهرام دوم و اقتدار کرتیربا کشکمش‌های بسیاری همراه شد. در بازگشت شاپور از غرب، سرزمین‌های مفتوح دچار حمله عربان پالمیرایی به رهبری اودناتوس شد. شاپور، در این زمان، شاید به سبب پیری، دیگر توجهی به مرزهای غربی نداشت (فلیکس، ۱۹۸۵: ۸۶-۸۵).

۶. شواهد باستان‌شناسی از نبرد شاپور با رومیان

مجموعه این سه نبرد، در چندین نقش برجسته هم تصویر شده است که از هفت نقش برجسته شاپور، ۵ مورد مربوط به این حادثه تاریخی است که تماماً مربوط به پس از سال ۲۶۰م. است (میر، ۱۹۹۰: ۲۸۱-۲۶۳)؛ و شاید، در پیش چشمان والرین، نقش شده باشند.

^۱ نام والرین در طبری به صورت الریانوس، و در بعضی نسخ شاهنامه بزانش آمده است؛ اما در نسخه بریتانیا صورت برانوس آمده است. ثعالی به جای والرین به غلط قسطنطین آورده است، بلعمی اریانوس آورده است. (شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۰۳)

^۲ در نبرد سوم و در حمله دوم به سوریه، انطاکیه مجدداً به تصرف شاپور درآمد. و باز شمار بسیاری از ساکنان آنجا اسیر و زندانی و به ایران آورده شدند. این اسیران در ایران در خصوص شهرسازی استفاده شدند. گویا هدف شاپور هم از این انتقال استفاده از مهارت اینان در امر شهرسازی بوده است. اینان در اسورستان، میشان، خوزستان، فارس، و پارت سکنی داده شدند. شهرهای شاد شاپور، بزرگ شاپور، خسرو شاپور، ریو اردشیر (ریشهر)، بیشاپور و گندی شاپور، با نام اصلی وه انتیوک شاپور که نشانه تمایل شاپور بر کم‌اهمیت شدن انطاکیه بوده، حاصل این انتقال است. مضافاً این که آمدن این مردمان خود موجب گسترش دین مسیحیت در این مناطق هم شد. به گونه‌ای که ریو اردشیر و گندی شاپور دو مرکز مهم اسقف نشین شدند (شومون، پیشین). تأثیر هنر ایران ساسانی بر هنر انطاکیه موضوعی است جداگانه و قابل مذاقه.

یکی در نقش رستم است که فیلیپ، جلوی شاپور زانو زده است (هرمان در هرمان و کالدکت، ۱۹۸۹: ۲۹-۱۳). سه نقش برجسته دیگر، در در داراب (داراب B) و بیشاپور، تنگ چوگان، است: یکی، در سمت راست رودخانه رو به شمال، صحنه تاج‌گیری / پیروزی شاپور از اورمزد است که زیر سم اسب او گردیانوس و زیر سم اورمزد، اهریمن است. در فاصل، میان شاهنشاه و اورمزد فیلیپ عرب زانو زده است. تاریخ این نقش برجسته را حدود ۲۴۳ م، پس از تاج‌گذاری دوم شاپور اول، می‌دانند. دو نقش برجسته دیگر شاپور، در بیشاپور، صحنه پیروزی او بر رومیان است. در وسط صحنه هر دو نقش، نتیجه سه جنگ شاپور تصویر شده است. گردیان سوم، زیر سم اسب شاپور و فیلیپ عرب، روبه‌روی اسب شاپور زانو زده است و والرین، در بند و زنجیر تصویر شده است. بر نگینی هم دو سوار نقش شده که یکی شاپور است و دیگری والرین، که شاپور دست والرین را که شمشیر را علیه شاپور برکشیده، به نشانه اسارت گرفته است (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۸۴؛ لوکونین، ۱۳۷۲: ۳۱۵-۳۱۰؛ شفرد، ۱۳۷۷: ۵۹۷-۵۸۳؛ و هرمان، ۱۹۶۹: ۸۸-۷۵). به تازگی، سکه‌ای، همراه با نوشته از شاپور به دست آمده که شاپور را سوار نشان می‌دهد و روبه‌روی او فردی است ایستاده فیلیپ عرب، است. این سکه، در نظام سکه‌شناسی ساسانیان و سکه‌های ایرانی، بی‌نظیر است و تاکنون مشابه‌ای نداشته است. به دلایل بررسی‌های تصویری، کتیبه‌نگاشتی و وزن و جنس رأی بر اصل بودن این سکه است (آلرام و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۶-۱۵). به سبب اهمیت سکه در خصوص موضوع این مقاله، نوشته‌های روی و پشت سکه آورده می‌شود (قرائت از شروو است در آلرام و دیگران، پیشین: ۲۳).

روی سکه:

mzdysn bgy šhpwhry MRKAn MRKA 'yr'n W 'nyr'n MNW ctry MN
 yzd'n
 mazdēs n bay šābuhr (šāpūr) šāhān šāh ērān ud anērān kē čīhr az
 yazdān.

«مزدیسن بگ شاپور شاهنشاه ایران و انیران.»

پشت سکه:

ZNE ZK AMTš prypws kycry AP hrwm'y PWN b'cy W OBDK
YKAYMWN HWEd
Ēn ān ka-š Firipōs kēzar ud Hrōmāy pad bāz ud bandag<īh> ēstād
hēnd.

«این آن زمانی است که فیلیپ قیصر و رومیان به باج و بندگی درآمدند.»

در نقش برجسته بیشاپور، این سه نبرد، بسیار هنرمندانه و با شکستن زمان خطی در هم آمیخته شده و تصویر آرایشی شده است. هیچ کدام از شاهان ساسانی، پیروزی‌های خود را چنین جاودانه نکردند و شاپور، یک استثنا باقی ماند. در هر حال، این مجموعه نقوش، نشان از اهمیت واقعه برای ایرانیان و شاپور را دارد.

۷. نتیجه‌گیری

از سال ۱۹۴۴م. که این کتیبه کشف شد دیگر اتکای تام و تمام به روایت‌های غربی، که بسیار جانبدارانه هم هستند، در خصوص تاریخ عصر شاپور کمتر شد. پیروزی‌های شاپور، به احتمال، مکرر بازگو و تکرار شده است. اگر گفته روستف تسف (وینتر/ دیگناس، ۱۳۸۶: ۴۷) درست باشد که کتیبه کعبه زردشت خلاصه‌نویسی سالنامه‌های رسمی ساسانی است، می‌توان فهمید که این پیروزی‌ها تا پایان عصر ساسانی چه بازتاب بزرگی داشته است. رد پای این سه نبرد را هم می‌توان در آثار مانوی دید.^۱ در هر حال، در زمان شاپور مرزهای ایران عصر ساسانی به نهایت خودش رسید. آن گونه که حدود و ثغور آن در همین کتیبه شاپور بر کعبه زردشت و نیز کتیبه کرتیر بر کعبه زردشت آمده است. به سبب این فتوحات بود که برای نخستین بار واژه «ایرانی» که ناظر به سرزمین‌های غیر از ایران است، در ادبیات حکومتی ایران وارد شد که ادعای تملک بر روم نیز در این عنوان مستتر است. به واقع، شواهد کتیبه‌ای به سبب ماهیت و نگرش ایرانیان به تاریخ، کمتر آگاهی تاریخی می‌دهند.

^۱ شروو (در آرام و دیگران، پیشین: ۲۵) بر آن است که در یک متن مانوی در هنگام روبرو شدن مسیح با هرود چنین آمده است و بازتاب نبرد شاپور با رومیان است: bid hrē yāwar frōmāy āyad ud hrē yāwar kaft ahēnd nigōsār: باز، سه بار رومیان آمدند و سه بار شکست خوردند.

همین چند مورد اندک از شواهد کتیبه‌ای، روشنایی‌های زیادی بر تاریخ باستان ما افکنده‌اند. کتیبه شاپور بر کعبه زردشت هم به جهت ساختار درونی حکومت و هم سیاست خارجی دارای اهمیت بی نظیری است. به‌ویژه که اطلاعاتی می‌دهد که منابع هم‌زمان خارجی به سبب دشمنی یا خاموش‌اند یا به اختصار سخنی گفته‌اند. نتیجه پیروزی‌های شاپور، تسلط بر مناطق مهم اقتصادی و تجاری بود. هم‌چنین، نتیجه دیگر آن، ورود اسیران بسیار رومی بود که در فارس و خوزستان سکنی داده شدند. این اسیران که هم در فن‌آوری صاحب تخصص بودند و هم این که در میان آنها دانشمندان بودند، از یک سو باعث توسعه فن شهرسازی و پل‌سازی و سدسازی همچون بیشاپور و سد و پل شادروان در شوشتر و نیز به واسطه حضور دانشمندان جندی‌شاپور تبدیل به مرکز علمی برجسته‌ای در عصر ساسانی شد. از سوی دیگر، نیز باعث شد شمار فراوان مسیحیان در ایران ساکن شوند و که سبب تساهل شاپور در آرامش و ایمنی زندگی می‌کردند؛ در حالی که در روم، این مسیحیان مورد اذیت و آزار بودند. البته حضور این مسیحیان و گسترش زیاد آنان، باعث اعتراض روحانیت زردشتی در اواخر حکومت شاپور شد؛ که در ادامه، باعث رویارویی و تعقیب مسیحیان و دیگر فرقه‌های دینی در عصر بهرام اول و دوم و قدرت گرفتن کرتیر شد. این متصرفات ساسانی دیر زمانی نیاید و دولت ساسانی در برابر مسئله پالمیرا و حمله روم به پالمیرا قرار گرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منابع

- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: سخن.
- شفر، دروتی (۱۳۷۷). «هنر ساسانی». *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان* (جلد سوم - قسمت دوم) پژوهش
- دانشگاه کمبریج. گردآورنده: احسان یارشاطر ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر. صص ۶۵۲ - ۵۵۳.
- شیمان، کلاوس (۱۳۸۳). *تاریخ شاهنشاهی ساسانی*. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۵۷): شرح مصور نقش رستم، بنیاد تحقیقات هخامنشی، شیراز.
- شهبازی، شاپور (۱۳۸۹). تاریخ ساسانیان، ترجمه بخش ساسانیان تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، ترجمه و تحقیق و تعلیقات، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طبری نلدکه: نلدکه، تئودور (۱۳۷۸). تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زریاب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عریان، سعید (۱۳۸۲). راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی و پارتی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرای، نلسون ریچارد (۱۳۶۸). «تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان». تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی.
- جلد سوم. قسمت اول، پژوهش دانشگاه کمبریج، تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده جی. آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر. صص ۲۰۰ - ۱۲۳.
- _____ (۱۳۸۰). تاریخ باستان ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- فروشی، بهرام (۱۳۷۸). کارنامه اردشیر بابکان، با متن پهلوی. آوانویسی. ترجمه فارسی و واژه‌نامه. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لوکونین، گگ. ولادیمیر (۱۳۷۲). تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
- نامه تنسر (۱۳۵۴). نامه تنسر به گشنسب. به تصحیح مجتبی مینوی. گردآورنده تعلیقات: مجتبی مینوی - محمد اسماعیل رضوالی. تهران: خوارزمی.
- نصراله‌زاده، سیروس (۱۳۸۴). نام‌تبارشناسی ساسانیان: از آغاز تا هرمز دوم. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۷). «پهلویات کتیبه‌ای ۱: مروی بر کتیبه ابنون در برم دلک از دوره شاپور اول». جشن نامه دکتر بدرالزمان قریب، به کوشش زهره زرشناس و ویدا نداف، طهوری. صص ۲۰۸-۱۸۷.

وینتر، انگلبرت، دیگناس، بناته (۱۳۸۶). روم و ایران، دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی. تهران: فرزانه روز.

ویسهوفر، ژوزف (۱۳۸۹). ایرانیان، یونانیان و رومیان. ترجمه جمشید ارجمند. تهران: فرزانه روز.

Alram, M, Blet-Lemarquand. M, Skjærvø, P. O (2007). "Shapur, King of Kings of Iranians and Non-iranians". *Des Indo-Grecs aux Sassanides: donnees pour l'histoire et la geographie historique. Res Orientales*. Vol.XVII. PP.11-40.

Back, M (1978). *Die sassanidische Staatsinschriften. Studien zur Orthographie und Phonologie des Mittelpersischen der Inschriften zusammen mit einem etymologischen Index des mittelpersischen Wortgutes und einem Textcorpus der behandelten Inschriften*. Acta Iranica 18. Leiden.

Drijvers, J (2009). "Rome and the Sasanid Empire: Confrontation and Coexistence".

A companion to late Antiquity/edited by Philip Rousseau; with the assistance of Jutta Raithe. Blackwell companions to the ancient world. PP. 441-455.

Dodgeon, H.M, Lieu, N.C (2002). *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (AD 226-363). A Documentary History*. Routledge: London and New York.

Chaumont, M.L (1986). "Antioch". *Encyclopædia Iranica*, This article is available in print. Vol. II, Fasc. 2, pp. 119-125; an updated version is available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/antioch-1-northern-syria> (accessed on August 5, 2011).

Felix, W (1985). *Antike Literarische Quellen zur Außenpolitik des Sāsānidenstaates, Erster Band*, Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften. PP. 224-309.

Göbl, Robert (1969). "Vāsiška II. ein bisher unbekannter könig der späteren Kušān". *Anzeiger der phil-hist. Klasse der österreichischen Akademie der Wissenschaften*. Jahrgang. 1965. So. 11. Wien. 1966. PP. 283-300.

_____ (1974). *Der Triumph des Sāsāniden Šāhpuhr über die Kaiser Gordianus, Philippus and Valerianus. Die ikonographische Interpretation der Felsreliefs*, Veröffentlichungen der Kommission für die Geschichte Mittelasiens, 3, Wien.

- Gropp, Gerd (2012). "Ka'ba-ye Zardošt" *Encyclopædia Iranica*, This article is available in print. Vol. XV, Fasc. 3, pp. 271-272; an updated version is available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/kaba-ye-zardost> (accessed on April 19, 2012).
- Herrmann, G (1969). "The Darabgird Relief-Ardashir or Shahpur? A Discussion in the Context of Early Sasanian Sculpture". *Iran* 7, PP. 63-88.
- Herrmann, G. D.N. MacKenzie , R. Howell Caldecott (1989). *The Sasanian Rock Reliefs at Naqsh-i Rostam*. Naqsh-I Rostam 6, The Triumph of Shapur I (together with an account of the representation of Kerdir), Berlin: Iranische Denkmaler 13, Berlin.
- Huyse, Ph (1998). "Kerdir and the First Sasanians". *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies. part 1. Old and Middle Iranian Studies*. ed. N.Sims-Williams. Wiesbaden. PP. 109-120.
- _____ (1999). *Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der ka'ba – i Zardušt (ŠKZ). Bd 1 – 2*. London.
- Kettenhöfen, E (1982). *Römer und Sāsāniden in der zeit der Reichskrise. n.Chr.* Wiesbaden. (TAVO – Karte BV 11). PP. 224 – 284.
- _____ (2001). "Das Jahr 7 Kaiser Valerians". *Nāme-ye Irān Bāstān. Vol.1. No.1*. PP.17-22.
- Lieu, S (1997). "Edessa". *Encyclopædia Iranica*, This article is available in print. Vol. VIII, Fasc. 2, pp. 174-175; an updated version is available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/edessa> (accessed on December 8, 2011).
- _____ (2006). "Nisibis". *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2006, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/nisibis-city-in-northern-mesopotamia> (accessed on November 15, 2006).
- Maricq, A (1965). "Res Gestae Divi Saporis", *Classica et Orientalia*. Paris 1965. PP.37-101 (= *Syria* 35. PP. 295-360).
- Meyer, M (1990). "Die Felsbilder Shahpurs I." *jahrbuch des deutschen archaologischen Institutes*. 105. PP.237.302.
- Rubin, Z (1998). "The Roman Empire in the *Res Gestae Divi Saporis*-The Mediterranean World in Sāsānian propaganda". in: *E. Dabrowa (ed.). Ancient Iran and the mediterranean world*. Krakow: Electrum 2. PP. 177-185.

- Schmitt, R (2003). "Hatra" *Encyclopædia Iranica*, This article is available in print. Vol. XII, Fasc. 1, pp. 58-61; an updated version is available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/hatra> (accessed on July 20, 2002).
- Shahbazi, Sh (2002). "Shapur I", *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2002, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/shapur-i> (accessed on July 20, 2002).
- Shayegan, R. M (1999). *Aspects of Early Sasanian History and Historiography*. Massachusette: Harvard University Cambridge. unpublished thesis.
- Shayegan, R. M (2003). "Approaches to the Study of Sasanian History" in *Paitimana: Essays in Iranian, Indo-European, and Indian Studies in Honor of Hanns-Peter Schmidt*. ed. S. Adhami. Costa Mesa. Calif: Mazda Publis- hers. PP.363- 384.
- Skjærvø, P. O (1992). "L'inscription d'Abnūn et l'imparfait en Moyen-persé". *Studia Iranica* 21. PP. 153 – 60.
- Whitby, M (1994). "The Persian King at War". In *The Roman and Byzantine Army in the East*. edited by E. Dabrowa. 227–63. Krakow: Jagiellonian University Press.
- Wiesehöfer. J (1986). "Ardašīr I". *Encyclopædia Iranica*. Vol. II. F.4. PP. 371-376.